



عباس سلیمی نمین:

در تولید محتوای فرهنگی و مستند برای جوانان کوتاهی کرده‌ایم

انقلاب اسلامی مردم ایران ۴۷ ساله شد. حالا جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام برآمده از آن انقلاب و محمل عینیت دادن به آرمان‌های اصیل آن از یک سو با مشکلات و چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه است و از سوی دیگر نسل جدیدی از جوانان و نوجوانان را پیش‌روی خود دارد که انقلاب پراباشان یک پدیده تاریخی ناملموس است. بعضی از آنها اطلاعات چندانی درباره چرایی خواست پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایشان برای

ایران بسته نمی‌شد و ما وابستگی‌های طولانی مدتی به اقتصاد آمریکا داشتیم، آنها به راحتی توانستند تحریم‌هایی را علیه ما اعمال کنند که این تحریم‌ها مانع از رشد اقتصادی کشور شد. البته بعضی عوامل دیگر هم در این قضیه دخیل بود. اما به نظر من اینکه ما در زمینه توسعه اقتصادی نتوانستیم آنگونه که شایسته بود کام برداریم به تحریم‌هایی مربوط بود که از همان دهه اول انقلاب علیه ما اعمال شد و اموالی که در خارج از کشور داشتیم را بلوکه کردند. کم‌کم تحریم‌ها را چنان گسترش دادند که مبادلات اقتصادی را کاملاً مسدود کردند، یعنی مسیر ارتباط اقتصاد ما را با جهان قطع کردند. این طبیعتاً تبعاتی در عرصه اقتصادی به جا گذاشت.

می‌فرمایید توسعه اقتصادی ما تا حدود قابل توجهی تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گرفت. اما برای نسل جدید بازماندن از توسعه سیاسی به عنوان یکی از آرمان‌های اصیل انقلاب که در دهه‌های گذشته تحت لوی مطالبه تقویت دموکراسی یا مردم‌سالاری مطرح شده، مسأله است. به‌طور شما موافقی که پیش‌روی رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی از این منظور وجود داشته چه بود؟ آیا ساختار حاکمیت و قانون اساسی برآمده از آن انقلاب خلل داشت یا نخبگان و کارگزاران سیاسی نتوانستند چنان که باید ترجمه کنند و عینیت بخش توسعه سیاسی منطبق بر شعارهای انقلاب اسلامی باشند؟ توسعه سیاسی نیازمند پیش‌نیازهایی است. بدون آن پیش‌نیازها نمی‌توانیم به دستاوردهای مطلوب برسیم. اولین پیش‌نیاز این است که نیروی انسانی توسعه‌مند شود. انسان توسعه‌مند، انسان انتقادی‌پذیر و بردبار در برابر مخالف است. از این جهت ما در ایران بعد از انقلاب اسلامی توانستیم توسعه خوبی در میان مردم رقم بزنیم و به نقطه‌ای رسیدیم‌ه‌ایم که وقتی مردم در شهرها و روستاها برای عضویت در خودش‌های شهر و روستا رقابت می‌کنند به ندرت این رقابت از مسیر قانونی

قیام علیه حکومت استبدادی پهلوی ندراند و در مقابل با بیماری‌های محتواهای جعلی مخالفان نظام جمهوری اسلامی در شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای مواجه‌اند که تصویری بزرگ کرده از دوران پهلوی به آنها ارائه می‌دهند. بر همین اساس «ایران» در گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین پژوهشگر تاریخ ضرورت بازخوانی واقع‌گرایانه از عملکرد ۴۷ ساله جمهوری اسلامی و ضرورت بازتعریف آرمان‌های انقلاب برای نسل نو را مطرح و بررسی کرد.

انتقاداتی که به عملکرد احزاب مطرح می‌کنید درست، اما ناقصاً احزاب هم عملکرد پرزوا اعتراضاتی که منتهی به ناآرامی می‌شود این موضع را دارند که یکی از دلایل بحران این است که به آنها اجازه داده نشده زبان مطالبات مردم باشند و در صورت لزوم تجمع‌های اعتراضی برگزار کنند.

بله، احزاب برای ایجاد بستر مناسب بروز اعتراضات هم باید مسئولیت‌پذیر باشند. یعنی متعهد شوند که می‌توانند تجمع اعتراضی هودار رفتار کنند و اگر رفتار هودارانشان به اغتشاش متمایل شد و آسیب یا خسارتی ایجاد کرد آن را جبران



در اینکه

برخی از

جوانان و

نسل جدید

از حقیقت

استبدادی

بودن

حکومت

پهلوی مطلع

نیست و فراتر

از آن متأثر

از تبلیغات

رسانه‌های

معاند،

دوران پهلوی

را دوران

شوگابی و

توسعه ایران

می‌داند،

قطعیاً ما مقصر

بوده‌ایم. زیرا

تولید محتوای

فرهنگی و

مستند قوی

نداشته‌ایم

می‌کنند. منتهی احزاب ما اکثراً رابطه‌شان با جامعه و اقشار هودارشان محدود به انتخابات است و بعد می‌روند در روابط درونی خود تا انتخابات بعد.

به هر حال، امروز شاهد حضور نسلی هستیم که انتقاد حداقلی‌اش این است که چرا آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی تحقق نیافته رفتار حداکثری برخی از آنان هم آمدن به خیابان است. پاسخ نسل‌های قبلی انقلاب به نسل جدید باید چه می‌بود که با چنین وضعیتی مواجه نمی‌شد؟

در اینکه برخی از جوانان و نسل جدید از حقیقت استبدادی بودن حکومت پهلوی مطلع نیست و فراتر از آن متأثر از تبلیغات رسانه‌های معاند، دوران پهلوی را دوران شوگابی و توسعه ایران می‌داند، قطعاً ما مقصر بوده‌ایم. زیرا تولید محتوای فرهنگی و مستند قوی نداشته‌ایم؛ محتوایی که به واسطه آن تجربیات تاریخی یک ملت را به نسل‌های آینده‌اش منتقل کنیم و بگوئیم چرا ملتی که در طول سالیان نهضت ملی شدن صنعت نفت، ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تجربه بسیاری دیگر از خیزش‌های اجتماعی، به این نتیجه رسید که باید نظام سیاسی را تغییر دهد. این تجارب به نسل‌های بعد منعکس نشده است. من این ضعف را کاملاً قبول دارم. ما باید برای تولید آثار فاخر فرهنگی که بتواند جوانان را اقناع کند، هزینه می‌کردیم، تا جوان امروز نخواهد همان وضعیت را یک بار دیگر تجربه کند. چرا یک ملت برای یک پدیده باید چند بار هزینه بدهد. چنین امری شایسته یک ملت فرهیخته نیست که از یک سوراخ چند بار



آزادی مسئولانه، مطالبه مردم از مسئولان

نگاه واقع‌بینانه به انقلاب اسلامی باید خیلی قریب و همه‌جانبه و البته منصفانه باشد. انقلاب اسلامی ایران ماهیتی کاملاً مردمی داشت؛ حرکتی برخاسته از اراده، آگاهی و خواست عمومی ملت. هرچند آغاز این نهضت با دعوت و رهبری حضرت امام خمینی (ره) همراه بود، اما واقعیت این است که از سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ که امام قیام را آغاز کرد، بیش از پانزده سال با مردم سخن گفت. آنان را آگاه ساخت و زمینه خودشناسی ملت را فراهم کرد. مردم به تدریج به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود پی بردند و دریافتند که می‌توانند سرنوشت خویش را تغییر دهند.

در دوران رژیم شاهنشاهی، سرمایه‌های مادی و معنوی کشور به همدارفت، مردم به حاشیه رانده شدند و ایران در عمل به پایگاهی برای ابرقدرت‌ها تبدیل شد. شاه، به‌عنوان عامل و زائده‌ام آنان در منطقه، هیچ اعتقادی به نقش مردم نداشت. ملت ایران نه در تعیین حاکم، نه در انتخاب نمایندگان و نه در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقشی ایفا نمی‌کرد.

شاه خود را مالک کشور و مردم می‌دانست و آنان را بیگانه با سرنوشت خویش تلقی می‌کرد. تشکیل حزب واحد «رستاخیز» نمونه روشنی از این استبداد بود؛ حزبی که شاه صراحتاً اعلام کرد هر کس عضو آن نشود، باید کشور را ترک کند. این یعنی نفی کامل آزادی، اختیار و کرامت انسانی. در چنین شرایطی، کشور دچار استعمار، استثمار و تحقیر شده بود. امروز کسانی که از آزادی و دموکراسی دوران پهلوی سخن می‌گویند، یا از تاریخ آن دوره بی‌اطلاع‌اند یا جغایات و واقعیت‌های آن را ندیده‌اند. برخی از جوانان نیز، از سر ناآگاهی یا نارضایتی فریب آن روایت‌های تحریف‌شده را می‌خورند؛ در حالی که حقیقت آن است که در دوران رضاخان و محمدرضا شاه، مردم کمترین آزادی نداشتند و هیچ نقشی در تعیین سرنوشت کشور ایفا نمی‌کردند.

در طول آن پانزده سال، امام خمینی (ره) با روشنگری مستمر، مردم را آماده قیام کرد. نخبگان، بزرگان کشور، دانشگاهیان و خوزیان به صحنه آمدند، از امام حمایت کردند و انقلاب به ثمر نشست. بنابراین، این انقلاب نه محصول تصمیم قدرت‌های جهانی، بلکه نتیجه آگاهی و اراده ملت بود. این ادعا که قدرت‌های خارجی خواستند شاه برود و امام بازگردد، ادعایی کاملاً نادرست است.

شرایط به‌گونه‌ای شده بود که ماندن شاه به معنای نابودی

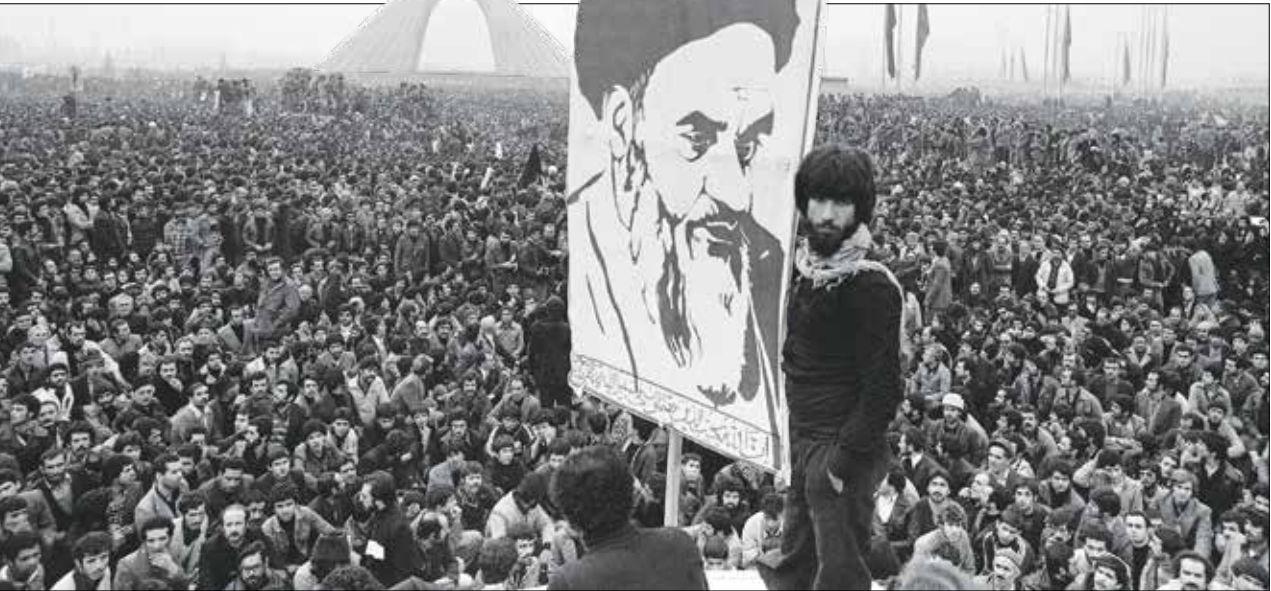
خودش و کشور بود؛ از همین رو گریخت. امام نیز با رصد دقیق وضعیت کشور و آمادگی مردم، در زمانی که حتی بسیاری از نزدیکانش بازگشت را پرخطر می‌دانستند، با قاطعیت فرمودند اکنون زمان بازگشت است؛ «میوه رسیده و باید چیده شود». انقلاب اسلامی آرمان‌های بزرگی داشت: امنیت، آسایش، استقلال، آزادی و کرامت انسانی. بخش مهمی از این آرمان‌ها تحقق یافت. استقلال کشور به دست آمد و هزینه‌هایی که امروز می‌پردازیم، هزینه نپذیرفتن سلطه ابرقدرت‌ها و دفاع از منافع ملی است. طبیعتی است که قدرت‌های استعماری در تلاشند برابر این استقلال، فساد و خسارت وارد کنند. در حوزه رفاه و عمران نیز، اگر متصفانه نگاه کنیم، پیشرفت‌های چشمگیری رخ داده است. کافی است وضعیت روستاها و شهرها پیش و پس از انقلاب به‌صورت مستند و تصویری مقایسه شود. توسعه راه‌ها، آب، برق، گاز و زیرساخت‌ها واقعیتی انکارناپذیر است؛ به‌گونه‌ای که امروز کمتر روستایی را می‌توان یافت که از این امکانات محروم باشد.

در بُعد انسانی و آزادی‌های اجتماعی نیز تفاوت‌ها آشکار است. پیش از انقلاب، آزادی اساساً معنا نداشت. کوچک‌ترین انتقاد یا حتی سخن گفتن، مساوی با زندان، شکنجه و تبعید بود. سخنرانان مجبور بودند به شاه دعا کنند و مخالفت با این اجبار، هزینه‌های سنگینی داشت. اما پس از انقلاب، آزادی به‌عنوان یک اصل مطرح شد و در دوره‌هایی، بویژه با تلاش شخصیت‌هایی چون شهید بهشتی و شهید مطهری، برای تحقق آن کوشش‌های جدی صورت گرفت.

با این حال، اقدامات مسلحانه و خشونت‌بار گروهک منافقین که به تیرور بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم پی‌گناه، آتش‌زدن انبوس‌ها، ادارات و نامن‌سازی جامعه انجامید موجب شد بخشی از آزادی‌ها محدود شود. هدف آنان برهم زدن امنیت کشور بود و تا حدی نیز موفق شدند. امروز اما شرایط متفاوت است. مردم، که طرفدار انقلاب، کشور و نظام هستند، مطالبه‌ای روشن دارند و آن آزادی بیان مسئولانه است.

آزادی برای نقد، اعتراض و اظهار نظر؛ نه آزادی تخریب و خشونت. مسئولان باید این واقعیت را بپذیرند که دوران محدودسازی به بهانه‌های گذشته سپری شده است. اگر اعتراض و انتقاد حق مردم است، باید آزادی بیان و امنیت پس از بیان نیز تضمین شود. دهه فجر فرصتی است برای یادآوری این مطالبه به مسئولان: مردم از شما آزادی می‌خواهند؛ آزادی سخن گفتن و شنیده شدن و انتظار دارند نقدها و اعتراضاتشان به اصلاح امور بینجامد.

ویژه‌نامه انقلاب



سیاست و صاحبان کرسی مسئولیت در جامعه ما باید بیش از این مطالعه می‌کردند. آنها باید در مطالعه به شخصیت‌هایی همچون رهبری تأسی می‌کردند که روزی ۸ تا ۶ ساعت مطالعه می‌کند و آخرین رمان‌ها و کتاب‌های سیاسی داخلی و خارجی را می‌خواند. حال آنکه رده‌های پایین‌تر اصلاً با این رویه بیگانه‌اند. امروز این جامعه سیاست زده شده است چون ما عمق فرهنگی نداشته‌ایم. باید برای تغییر این رویه تلاش و سرمایه‌گذاری کنیم. کار زیرساختی فرهنگی مثل سدسازی است. باید حاکمیت آن را انجام بدهد، اگر نه به حد حق نسل امروز و آینده جفا کرده است. امروز اگر قرار باشد تفسیر روزآمدی از آرمان‌های انقلاب به نسل جدید ارائه بدهیم، نیاز به متفکرانی دارد که در حد و جنس آل احمد، شریعتی، بهشتی و مطهری داریم. شریعتی محصول یک دوران طولانی کار فکری است. جلال آل احمد محصول یک شناخت دورانی است. او مارکسیسم را مطالعه کرد و اصلاً جدیش شد، بعد به جمع‌بندی رسید و خیلی از بت‌های فعالین اجتماعی را شکست. اما متأسفانه امروز ما برگشته‌ایم به دوران نوشتن غرب‌زدگی آل احمد. یعنی ترمیم بدترین کارها را می‌کنند و بعضی‌ها درصدد رفع و رجوع و توجیه خطاهای او هستند.

شریعتی در یک کتاب کم حجم به جوان ما نشان می‌داد که چگونه مقهور ساختمان‌های مرتفع پاریس و لندن نشود و استعمار و بردگی که این ساختمان‌ها را برپا کرده‌شان بنا شده است را ببیند. متأسفانه امروز جوان ما این منابع فکری را در اختیار ندارد و ما وظیفه داریم که ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سیاست مشیت آفنین و بعد غارت دوباره منابع مان توسط غرب در سیاست‌های پیش از انقلاب و بسیاری دیگر از واقعیات را برای جوانان‌مان تبیین کنیم.

«ارنست پرون» نبود. یک فرد حقه‌باز که تا سال‌ها در دربار پهلوی اثرگذار بود و فساد وجود این فرد در رده بالای دربار پهلوی محدود به انحرافات اخلاقی نبود. فسادهای متعدد او برای ملت ایران بسیار تحقیرکننده بود. این را من نمی‌گویم، بروید خاطرات فزویه به میلانی را بخوانید. بروید کتاب‌های عباس امیرانجامی را بخوانید که با همه تمایل و وابستگی‌اش به سلطنت‌طلبان این واقعیات را مطرح کرده است. مشکل اساسی ما در جامعه‌مان فقدان اطلاعات است؛ اطلاعاتی که باید به نسل جدید منتقل می‌کردیم. باید از پژوهشگران تاریخ و مستندسازان مستقل در این زمینه حمایت می‌کردیم تا بروند اسناد دست اول و اسناد منتشر شده سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس و... را مطالعه کنند و به جامعه ارائه بدهند.

اشاره کردید که توسعه سیاسی نیازمند انسان توسعه‌یافته و انسان انتقادی‌پذیر است. بر همین قیاس نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که حتماً به عملکردش در طول نزدیک به نیم قرن اشکالاتی وجود داشته پیش‌روی ما است. اگر ممکن بود که به عقب برگردیم و بازنگری در این عملکرد انجام دهیم یا مواردی را اصلاح کنیم؛ به‌طور شما چه مواردی شایسته بازنگری و اصلاح بود؟

اگر بخواهیم به عقب برگردیم به‌طور قطع ما در فرهنگ ایرادات اساسی داشتیم. ما بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شخصیت‌های برجسته‌ای داشتیم که در حوزه فرهنگ به میدان می‌آمدند و قلم‌شماران بودند. ما وظیفه داریم که ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سیاست مشیت آفنین و بعد غارت دوباره منابع مان توسط غرب در سیاست‌های پیش از انقلاب و بسیاری دیگر از واقعیات را برای جوانان‌مان تبیین کنیم.

انقلاب، مردم و خلأ تبیین برای نسل جدید

انقلاب اسلامی ایران نه در خلأ شکل گرفت و نه محصول تصمیم یک گروه محدود بود. این انقلاب از بدن مردم برخاست، با حمایت گسترده آنان قوام گرفت و با رهبری حکیمانه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. اما امروز مسیر ۳۷ ساله انقلاب نشان می‌دهد که این نظام سیاسی هرگز در شرایطی عادی و بدون چالش حرکت نکرده است. انقلابی که از دل یک حکومت سلطنتی استبدادی بیرون آمد، ناگزیر با مقاومت، تهدیدها و دشمنی‌های داخلی و خارجی مواجه شد. در سال‌های اول پس از پیروزی، تروهای گسترده، شهادت مسئولان و نخبگان انقلاب، ماجرایی که برای کودتا، امنیت و ثبات نظام نوپا را نشانه گرفت. اندکی بعد، جنگ تحمیلی هشت‌ساله، سنگین‌ترین آزمون بقا را پیش‌روی جمهوری اسلامی قرار داد. پس از آن نیز کشور با مجموعه‌ای از فشارهای سیاسی، اقتصادی و تحریمی روبه‌رو شد؛ فشارهایی که از سوی قدرت‌هایی اعمال می‌شد که اساساً با ماهیت انقلاب اسلامی زاویه داشتند؛ چه در سطح منطقه و چه در سطح نظام بین‌الملل. با این حال، آنچه موجب شد جمهوری اسلامی در این مسیر پرسنگارخ پابرجا بماند، آنکا به ظرفیت‌های داخلی و توجیه به اقتصاد داخلی بود. خودکفایی در بسیاری از حوزه‌ها، از منابع دفاعی تا کشاورزی و فناوری، به ایران امکان داد در برابر فشارهای بیرونی تاب‌آوری نشان دهد.

اما در کنار این عوامل ساختاری، یک عنصر تعیین‌کننده همواره نقش اصلی را ایفا کرده است: مردم ایران در تمام این سال‌ها نشان داده‌اند که می‌توانند «به عدل و از اصل نظام» تفاوت قائل‌اند. اعتراض به گرانی، تارتاری‌های مدیریتی، رانت، فساد و ناکارآمدی‌ها همواره وجود داشته و بخش از حیات اجتماعی کشور بوده است. اما این اعتراض‌ها به معنای پشت کردن به اصل انقلاب و نظام نبوده است. حضور مداوم مردم در بزرگراهایی چون ۲۲ بهمن، ۱۳ آبان و دیگر مناسبت‌های ملی، نشان داده که جامعه ایرانی در لحظات حساس، اجازه تحقق توطئه‌ها را نداده است. بی‌این همه، یک ضعف جدی در این میان قابل انکار نیست: ضعف در حوزه تبیین، بویژه برای نسل‌های جدید. در کنار میدان واقعی، امروز میدان مجازی به عرصه‌ای تعیین‌کننده تبدیل شده است. متأسفانه مراکز فرهنگی، تبلیغی و حتی نهادهای رسمی، از حوزه‌های علمیه گرفته تا دستگاه‌های آموزشی، نتوانسته‌اند دستاوردهای انقلاب، شرایط پیش از انقلاب و مسیر پرهزینه‌ای را که طی شده به‌درستی برای نسل‌های بعدی روایت کنند. تسلی که امروز ۱۳ تا ۱۴ سال دارد و اولین مواجهه‌های سیاسی خود را تجربه می‌کند، اغلب در معرض روایت‌هایی قرار می‌گیرد که در فضای مجازی تولید و بازتشریح می‌شوند؛ روایت‌هایی که عمدتاً هیجانی، گریزنی و گاه تحریف‌شده‌اند. وقتی آموزش و پرورش، بیش از آنکه نهادی تربیتی باشد، به نهادی صرفاً کنکورمحور تقلیل می‌یابد، طبیعتی است که خلأ پرورشی هویتی خود را در بزرگراه‌های اجتماعی نشان دهد. ضعف فرهنگی و ضعف در تبیین، امروز یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کشور است. این به معنای نفی دستاوردها نیست؛ بلکه نشانه ضرورت بازنگری در شیوه انتقال آنهاست. نسل جوان باید بداند این کشور از چه مسیری عبور کرده، چه هزینه‌هایی پرداخته و چه ظرفیت‌هایی در اختیار دارد. تقویت این پیوند نسلی، نه تنها ضامن پایداری اجتماعی، بلکه مکمل اقتداری است که امروز ایران در حوزه‌های نظامی، صنعتی و کشاورزی به دست آورده است. اقتداری که اگر با سرمایه اجتماعی آگاه و آفان‌شده همراه شود، می‌تواند ایران را نه فقط در منطقه، بلکه در سطح جهانی به یکی از قطب‌های تأثیرگذار تبدیل کند.



علیرضا زندانی نماینده پیچا و عضو کمیسیون اقتصادی